

خلاف کریم

امام خمینی رحمۃ اللہ علیہ: در راس همه امور تهذیب نفس است.

سال اول / شماره سییم / هفته چهارم ذی الحجه ۱۴۴۳
هفته اول مرداد ۱۴۰۱

داداش جون

ششمین جلسه از سلسه بزرگداشت های علمای ربانی
حضرت آیت الله آمیرزا عبد الکریم حق شناس رحمۃ اللہ علیہ

حوزه علمیه آیت الله حق شناس
آینده، فیلسوفان

حوزه علمیه مجازی اخلاق
آیت الله حق شناس رحمۃ اللہ علیہ



نور چشمی آیت الله بروجردی رحمۃ اللہ علیہ

مصاحبه با حجت الاسلام والمسلمین حامد اصغری در رابطه
با شخصیت آیت الله آمیرزا عبد الکریم حق شناس رحمۃ اللہ علیہ

از آقای حق شناس رحمۃ اللہ علیہ چه خبر؟

خلاصه گفت و گوی شماره پیشین نشریه خلق
کریم با حجت الاسلام والمسلمین محمود زرین پر

کار تربیتی انجام می دهید؟

نشست اخلاقی با موضوع شخصیت شناسی
آیت الله آمیرزا عبد الکریم حق شناس رحمۃ اللہ علیہ

حوزه علمیه آیت الله حق شناس رحمۃ اللہ علیہ در پیام رسان ایتا و اینستاگرام:





فراشات حضرت آیت الله حق شناس

حجّة الله عليه

اختصاص ساعتی برای طلب علم (عامل نورانیت قلب):

«يَا بُنَيَّ اجْعَلْ فِي أَيَّامِكَ وَلَيَالِيكَ وَسَاعَاتِكَ نَصِيباً لَكَ فِي طَلَبِ الْعِلْمِ»؛ حضرت لقمان عليه السلام به فرزندش فرمود: فرزندم! در شبانه روز و ساعات خودت زمانی را هم برای طلب علم قرار بده. «فَأَنَّكَ لَنْ تَجِدَ لَهُ تَضَيُّعاً مِثْلَ تَرْكِهِ»؛ اگر این ساعت را در شبانه روزت ترک کنی، زیان کار خواهی بود. اصلاً مایه آزار ندارد، آقا جان! اگر این ساعت طلب علم از دست تو رفت، دیگر نخواهی یافت. هرکس هستی داداش جون! مبادا از تحصیل علم تقوی و یقین غفلت کنی. اگر به مرتبه یقین نرسی، ممکن است آن لحظه آخر «خسر الدنيا و الآخرة» از دنیا بروی. اگر به مرتبه یقین نرسی، شیاطین در وقت جان دادن حاضر می شوند و ما را خاسر و خائف از دنیا می برند. یک صلوات بفرستید.

قرائت قرآن (عامل نورانیت قلب):

حضرت عليه السلام فرمودند: پنج چیز است که قلب شما را منور می کند. اول قرائت قرآن است. قرائت قرآن حجاب ها را از روی قلب برمی دارد؛ خصوصاً اگر انسان با تدبیر بخواند.

انتخاب تفسیر مناسب:

تفاسیر زیادی نوشته شده است. شما باید ببینید که کدام یک از تفاسیر با ذوق شما موافق است. تفسیر مرحوم علامه طباطبایی رحمته الله علیه به درد نوع شما نمی خورد، بابا جان من! این تفسیر به درد اشخاصی که در مراحل بالا هستند می خورد. شما باید از کلاس اول شروع کنید، از تفاسیری مانند تفسیر مرحوم ملافتح الله (کاشانی) که هم خلاصه دارد، هم مَطْوَل. «أَفْضَلُ أَعْمَالِ أُمَّتِي قِرَاءَةُ الْقُرْآنِ مَعَ التَّدْبِيرِ»؛ حضرت عليه السلام فرمودند: افضل اعمال امت من این است که قرآن را با تدبیر بخوانند.

کم خوردن (عامل نورانیت قلب):

و اما چیز دیگری که قلب را نورانی می کند، کم خوردن است، به خصوص در شب. مؤمن غذایی که می خورد، غایت و هدفش این است که نیمه شب برخیزد و به درگاه قاضی الحاجات بندگی بکند، زیرا حضرت عليه السلام فرمود که تنها راه نجات، بندگی کردن است؛ «وَلَا نَجَاةَ إِلَّا بِالطَّاعَةِ». مؤمن به دنبال بندگی کردن است، نه اینکه دائم به دنبال فریبه کردن بدنش و توجه به مادیت باشد.

همنشینی با رهبران دین (عامل نورانیت قلب):

«وُجَالِسَةُ الْعُلَمَاءِ». چیز دیگری که قلب را نورانی می کند مجالست و همنشینی با دانشمندان و رهبران دین است. با عالم نشست و برخاست کنید که همین نشست و برخاست با عالم مؤثر است، داداش جون!

نماز شب و رفتن به مساجد (عامل نورانیت قلب):

«وَالصَّلَاةُ فِي اللَّيْلِ». نماز در شب هم قلب شما را منور می کند. «وَالْمَشْيُ فِي الْمَسَاجِدِ». وقتی که شما در مساجد ایاب و ذهاب کردید، خداوند علی اعلى از آن علوم حقیقه نصیب شما می کند. پروردگار عزیز شما را موفق به ترک محرمات و فعل واجبات که کلاس اول است می کند. تا کم کم در معرض رحمت او قرار بگیرید.

ای پروردگار عزیزم! من هیچ جایی جز درب خانه تو ندارم. «يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمْ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ»؛ ای مردم شما فقیران بسوی خدا هستید. «وَمَنْ جُهِدَ فَإِنَّمَا يُجْهِدُ لِنَفْسِهِ»؛ اگر مجاهده بکنی، برای خودت کردی، پروردگار بی نیاز از شماست. پروردگار می فرماید: «عَلَيْكُمْ أَنْفُسُكُمْ»؛ یعنی نفس را رها نکنید، باید استقامت بکنید.

هدف خلقت، پرواز بالاتر از ملائک:

شخصی سؤال کرد: یابن رسول الله! پروردگار برای چه ما را خلق کرده است؟ حضرت عليه السلام فرمود: برای اینکه به واسطه تخلق عملی، پرواز کنید و از ملائکه بالاتر روید و به مقامی برسید که ملائکه خدمتگزار شما شوند؛ «وَإِنَّ الْمَلَائِكَةَ خُدَامٌ شِيعَتِنَا». یعنی ملائکه خدمتگزار شیعیان ما هستند.

عمان سامانی می گوید:

در رتبه خویش را به ملائک توان رساند

گر نهی نفس کرده پی مدعی شوی

در رتبه خویش را به ملائک، بلکه به فوق ملائک توان رساند.

داداش جون! نباید هرکسی خودش را به یک سلسله عادات مشغول بکند.

غایت علم چیست؟

یک عده به دانشگاه می روند و تحصیل می کنند و یک عده هم مثل ما در حوزه علمیه مشغول به تحصیل هستن؛ اما بالآخره غایت و هدف علم چیست؟ بالآخره باید تحصیل علم به جایی برسد که حال مرا اصلاح کند. مبادا علمی که بر شما واجب نیست، از علمی که واجب است، شما را باز بدارد.

اولین سؤال بعد از مرگ:

بعد از رفتن از این دنیا، اولین سؤالی که از شما می شود، این است که ای بنده من! با امانت های من چه کردی؟ «عَبْدِي مَاذَا صَنَعْتَ فِي أَمَانَتِي»؛ سؤال می شود که برای ما چشم روشنی چه آورده ای؟ البته این را به همه نمی گویند؛ این را به اشخاصی که مجهز هستند می گویند. همان کسانی که حضرت درباره آن ها فرمود: «وَأَعَدَّ الْقُرَى لِيَوْمِهِ النَّازِلِ بِهِ»؛ آتش جهنم در اثر توجه نکردن به علم و عمل است.

حضرت عليه السلام می فرماید:

«وَإِن أَيْمَنَ سَكَنَ النَّارَ وَالَّذِي بَعَثَ مُحَمَّدًا بِالْحَقِّ»؛ یعنی: قسم به کسی که مرا مبعوث کرد، اگر به یادگیری مسایل دینتان و عمل به آن توجه نکنید و آن را نادیده بگیرید، گرفتار آتش جهنم خواهید شد. («واو» در این عبارت برای قسم است و حضرت مبالغه نمی کند، داداش جون!)

عاقبت بی توجهی به احکام اسلامی:

در سوره انشقاق می فرماید که نامه عمل بعضی را از پشت سر به آن ها می دهند. وقتی می پرسند: چرا؟ می گویند: برای اینکه شما احکام اسلامی را پشت سرتان انداختید، دنیا را در مقابل و آخرت را پشت سرتان قرار دادید. اگر بخواهید بدانید که به عوالم اخرویه اقبال دارید یا ادبار، باید خودتان را به استاد عرضه کنید.

عوامل نورانیت قلب:

یا عالم باشید یا متعلم (عامل نورانیت قلب):
عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام، أَنَّهُ قَالَ: «لَسْتُ أَحِبُّ أَنْ أَرَى الشَّابَّ مِنْكُمْ إِلَّا غَادِيًا فِي حَالَيْنِ: إِمَّا عَالِمًا أَوْ مُتَعَلِّمًا»؛ حضرت عليه السلام فرمود: من دوست ندارم که شما را فارغ البال ببینم؛ باید شما بین دو عنوان زندگی کنید. علم باعث حیات قلب است؛ یا عالم باشید یا متعلم. یعنی باید به یکی از این دو عنوان متخلق باشید. البته عالم با عمل، نه مثل بنده؛ یا متعلم باشید و تعلم کنید.

اگر نه عالم باشید نه متعلم، خود را ضایع کرده اید:

«فَإِنْ لَمْ يَفْعَلْ فَرَطٌ»؛ اگر در جوانی یکی از این دو کار را نکرد، در وظایف انسانیت تقصیر کرده است. «فَإِنْ فَرَطَ ضَيِّعٌ»؛ اگر تقصیر کند، خودش را ضایع کرده است. او را به این دنیا آورده اند برای اینکه یا عالم باشد و افراد جامعه را بسازد (در ضمن اینکه خودش تخلق علمی پیدا می کند) و یا متعلم باشد؛ نه اینکه یله و رها و متحیر باشد که من برای چه خلق شده ام؟

لزوم آشنا شدن به وظایف اعضاء و جوارح (عامل نورانیت قلب):

«وَإِنْ ضَيِّعَ أَيْمٌ»؛ اگر خودش را ضایع کرد، گناه کرده است. اعضاء و جوارح التماس می کنند که ما را برآنچه که برای آن خلق شده ایم بگمار. ما را به وظیفه خودمان آشنا کن. دست چه وظیفه ای دارد؟ چشم چه وظیفه ای دارد؟ پا چه وظیفه ای دارد، آقا جان؟ باید به وظایف خودمان علم پیدا کنیم. سایر علوم تا لب قبر است، آقا جان!

علم واجب، علم تقوی و یقین است:

«طَلَبُ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ وَ مُسْلِمَةٍ؛ وَ هُوَ عِلْمُ التَّقْوَى وَ الْيَقِينِ». آن علمی که طلبش بر هر زن و مردی واجب است، علم تقوی و یقین است. آیا راهی هست که مرا به مقام یقین برساند؟ البته که هست، آقا!

راه رسیدن به مقام یقین:

برای رسیدن به مقام یقین، باید عقل را احیا بکنی و از امیال نفسانی جلوگیری بکنی، آقا جان من! این هم با رفتن به درگاه پروردگار است.

مالی سوی فقری الیک وسیله

فبالافتقار الیک فقری ادفع

پیام رهبر معظم انقلاب اسلامی ظله در پی ارتحال آیت الله حق شناس رحمته علیه



بسم الله الرحمن الرحيم

درگذشت عالم ربانی و اخلاقی مرحوم آیت الله آقای حاج میرزا عبد الکریم حق شناس رحمته علیه را به بازماندگان محترم و ارادتمندان ایشان تسلیت عرض می‌کنم. این روحانی پرهیزکار و پاک نهاد به خاطر تربیت جوان‌های مؤمن و معرفت‌جوی، در طول ده‌ها سال، حق بزرگی بر گردن همه مشتاقان معارف اسلامی دارد و امید است برکات ناشی از نفس پاک و مؤثر ایشان همواره مستدام گردد. خداوند روح مطهر او را با اولیائش محشور فرماید.

سید علی خامنه‌ای

۲ / مرداد / ۱۳۸۶

نشست اخلاقی با موضوع شخصیت‌شناسی آیت الله امیرزاد عبد الکریم حق شناس رحمته علیه توسط استاد میراث‌شناس حسینی حفظه الله



با توجه به فرمایشات حاج آقا رحمته علیه که می‌فرمودند: «الرفیق ثم الرفیق»، رفیق سلوکی حاج آقا چه کسی بودند؟

ایشان در اوایل رفاقیی داشتند اما بعدها برای حاج آقا رحمته علیه وصلی پیش آمد که بعد از آن دیگر نیازی به دوست و رفیق نبود. ولی در اوایل، برخی از هم مباحثه‌هایشان بودند که حاج آقا رحمته علیه با آن‌ها رفاقت و دوستی داشتند. یکی از دوستان صمیمی حاج آقا رحمته علیه که ظاهراً هم مباحثه حاج آقا رحمته علیه هم بوده‌اند، فردی بود که خیلی هم با ایشان دوست صمیمی بود و در راه مشهد در سن جوانی از دنیا می‌رود. حاج آقای جاودان رحمته علیه می‌فرمودند که من روزی حاج آقای حق شناس رحمته علیه را دیدم که حاج آقا رحمته علیه از هم مباحثشان تعریف می‌کردند و می‌فرمودند که بنده بعد از فوت هم مباحثم، خواب او را دیدم و در عالم رؤیا از او پرسیدم که «چه خبر؟» ایشان فرمود که همان لحظه‌ای که از دنیا رفتم، چون زائر امام رضا علیه السلام بودم، حضرت امام رضا علیه السلام نزد من تشریف آوردند و یک مکانی در حرم به من دادند و فرمودند که دیگر همیشه من در آن مکانی که در حرم به من دادند زندگی می‌کنم و بعد از این دوست من می‌فرمود که من الان خیلی خوش‌حالم.

بله اوایل حاج آقا رحمته علیه دوستانی داشته‌اند که کمک راهشان باشد؛ ولی بعدها دیگر خیر، این برای همان اوایل بوده است. البته «الرفیق ثم الرفیق» به معنای رفیق بازی و محبت بازی‌های افراطی و اینگونه تفاسیر نیست؛ بلکه «الرفیق ثم الرفیق» یعنی رفیقی که طریق باشد، نه اینکه شخصی دنبال رفیق بازی باشد. این نوع رفاقت مد نظر نبوده است.

چه خصوصیت و ویژگی‌هایی حاج آقا حق شناس رحمته علیه داشتند که باعث شده بود امام زمان عجل الله تعالی فرجه زندگی ایشان را به صورت ویژه‌ای تدبیر کنند؟

یک نکته اینکه حاج آقا رحمته علیه وظیفه‌ای را که تشخیص می‌دادند، تمام وجود خود را وقف آن کار قرار می‌دادند.

چه درس خواندن بود، چه توسل بود و چه هر چیز دیگری که تشخیص می‌دادند که وظیفه است، خود را وقف آن کار می‌دانستند و وقف آن کار می‌شدند.

نکته دوم اینکه آیا این اختصاص به حاج آقا رحمته علیه داشت یا خیر؟ یعنی مثلاً اگر هر شخصی که اینگونه عمل بکند، یقیناً کارهایش را تدبیر می‌کنند یا خیر؟

خود حاج آقا رحمته علیه بارها می‌فرمودند که فلانی پسرخاله ما یا فامیل ما نبوده که مثلاً به خاطر آن بخواهد به او عنایت شود. هر شخصی که اینگونه عمل بکند، خداوند متعال قطعاً برایش تدبیر می‌کند و او را کمک می‌کند و برای هر یک کاری که انجام می‌دهد، هزاران هزار برابر کمکش می‌کنند.

منتهی خود فهم این مددها زمان بر است؛ مثلاً طرف می‌گوید برای حاج آقا رحمته علیه اصلاً از جوانی و نوجوانی مدد بوده است و برای ما خبری نیست، در حالی که این شخصی که این حرف را می‌گوید غافل از این است که وقتی سن به چهل‌الی پنجاه سال می‌رسد، تازه می‌فهمد که در بسیاری از جاها از طرف خداوند عنایت شده است. لذا ممکن است که زمان بگذرد و شخص بفهمد که داخل نوجوانی و جوانی وظیفه خودش را انجام داده است و خود خدا یا خود امام زمان عجل الله تعالی فرجه مدیریت کار او را در دست گرفته بوده‌اند و خودش متوجه این موضوع نبوده است و بعداً متوجه این موضوع مهم شده است.

ممکن است شما هم الان متوجه نشوید؛ بلکه زمانی که سن شما بالاتر برود، می‌فهمید که از همان سن کودکی کار شما حساب شده پیش رفته است. چرا؟ چون داخل راه، داعیی پشت سر شما بوده است یا خودتان اهل توسل بوده‌اید یا یک‌جا خدمت امام رضا علیه السلام بوده‌اید و دعایتان مستجاب شده است و مسیر زندگیتان یک مسیر خاصی شده است.

بارها عرض کردم که پدر یکی از طلبه‌ها ناراحت بود که پسرش آمده و طلبه شده است و بعد از آنکه پسرش معمم می‌شود، می‌آید پیش من و می‌گوید:

«من پی‌عقل تازه فهمیدم که هفده سالم بود که رفتم حرم امام رضا علیه السلام و خودم را چسباندم به ضریح و گفتم: یا امام رضا علیه السلام من به درد دین شما نخوردم، به درد شما و راه شما نخوردم، یک همسر خوبی به من بده که به برکت آن همسر خوب، یک فرزند خوبی به دنیا بیاید که آن فرزند به درد شما و به درد راه و طریق شما بخورد. یعنی داعیی که در گذشته انجام داده است باعث آن شده است که یک همسر بسیار خوبی نصیبش بشود که به برکت این همسر، یک فرزند بسیار خوب نصیب شود؛ منتهی این شخص این موضوع را در سن پنجاه سالگی متوجه شده بوده است که در قدیم چه داعیی انجام داده است.

شیوه کار تربیتی حاج آقا حق شناس رحمته علیه چگونه بوده است؟ آیا صرفاً روی خودشان کار کرده بودند که از طریق موعظه و منبر کار تربیتی انجام بدهند یا خیر؟ آیا به غیر این دو غالب روش تربیتی دیگری نیز داشتند؟

یک بحثی وجود دارد در بحث تربیت با عنوان روش شناسی که البته شاید داخل بحث تربیتی خیلی جواب ندهد؛ اگر چه آثاری و برکاتی هم دارد؛ ولی اثر اصلی و زیر ساختاری ندارد. آن چیزی که خیلی جواب‌گو است، همان «کُونُوا دُعَاةَ النَّاسِ بِغَيْرِ أَلْسِنَتِكُمْ» (کافی، ج ۲، ص ۷۸) است.

حاج آقا رحمته علیه خودشان وقتی که از جهت معنوی و علمی قوی بودند، دیگر به طور ناخداگاه موقعی که حرف می‌زدند یا حتی زمانی که حرف نمی‌زدند و رفتار می‌کردند و چه حرکت و چه سکون داشتند، این خودش تربیت ایجاد می‌کرد.

شاید آن موقع ما به حاج آقا رحمته علیه عرض می‌کردیم که کار تربیتی انجام می‌دهید؟ حاج آقا رحمته علیه می‌فرمودند:

کار تربیتی یعنی چه؟ ولی خودشان رشد می‌کردند و خود این رشد باعث اثرگذاری روی دیگران می‌شد.

اصلاً بهترین روش تربیتی هم همین روش است. یک زمانی حاج آقای جاودان رحمته علیه می‌فرمودند:

که تا خود انسان تربیت نشود، نمی‌تواند دیگران را هم تربیت بکند. به میزانی که شما تربیت می‌شوی، می‌توانی دیگران را تربیت بکنی. حاج آقای حق شناس رحمته علیه هم همین‌طور بودند.

به این صورت نبود که بسم الله الرحمن الرحیم شروع می‌کنم شما را تربیت کنم. خیر این‌گونه نبود.

این کار بزرگ‌شان هم که تربیت باشد را از همان اوایل طلبگی‌شان شروع کرده بودند و هفته‌ای یک جلسه خدمت یک شخصی می‌آمدند و برای او یک حدیثی می‌گفتند و یک شکلاتی یا یک هدیه کوچکی هم به آن شخص می‌دادند و یک قسمتی از شهریه‌شان را اختصاص به این کار قرار داده بودند.

در واقع تمام این کارهایی که حاج آقا رحمته علیه انجام می‌دادند، در همان سیستم امر به معروف و نهی از منکر و در همان سیستم وظیفه تبلیغی و سیستم وظیفه طلبگی و هویت طلبگی بود. داخل این سیستم وظیفه خودشان را انجام می‌دادند و در عین اینکه خودشان حرکت می‌کردند، خود به خود تربیت هم انجام می‌دادند.

از حاج آقای حق شناس رحمته علیه چه خبر؟



اقرار آمیز نیست بگویم بزرگان و عالمان تحت تربیت استاد یا استادانی قرار گرفته اند که محرک اصلی آن ها بودند.

در میان این بزرگان اسم فردی به چشم می آید که با تمام توان به سرمشق های اساتیدش عمل کرده و علاوه بر این تربیت شاگردان را سرلوحه خود قرار داده بود.

حضرت آیت الله امیرزا عبدالکریم حق شناس رحمته علیه علاوه بر تربیت صحیح و فهم دقیق معارف و عمل به آنها توانست در اوج سختی ها و اوضاع بد اوایل انقلاب با تاکید استادش امام خمینی رحمته علیه درس اخلاق خودش را شروع کند و ماحصل نتیجه اش شود جوانان تربیت یافته مکتب اهل بیت علیهم السلام همچون: مفقود الاثر احمد متوسلیان، شهید احمدعلی نیری و...

برای آشنایی بیشتر با شخصیت بی انتهای حضرت آیت الله امیرزا عبدالکریم حق شناس رحمته علیه پرداختیم به گفت و گو با مدیر حوزه علمیه آیت الله حق شناس رحمته علیه که این روزها سرگرم به تربیت و پرورش طلاب علوم دینی هستند.

متن کامل مصاحبه:

آثاری که از حاج آقای حق شناس رحمته علیه برجای مانده است، چه تاثیری بر روی طلاب می گذارد؟

خب یک سری آثار صوتی از مرحوم حاج آقای رحمته علیه باقی مانده است که برکات زیادی دارد و بعضی از دوستان ما، کراراً این صوت ها را گوش می دهند. شاید بعضی از دوستان، بارها و بارها این صوت ها را گوش کرده اند. الحمدلله داخل طبله های مدرسه این ارتباط با آثار حاج آقای رحمته علیه، همچنان برقرار است. آثار مکتوبی هم از ایشان داریم که همین صوت ها را پیاده کردند و حال در غالب چهار جلد مواعظ که حاج آقا جاودان رحمته علیه زحمتش را کشیده اند و آثار دیگری مثل ز ملک تا ملکوت که دیگر دوستان زحمتش را کشیده اند یا اخیراً این فرمایشات به صورت دو جلد کتاب چاپ شده است که صحبت های حاج آقای رحمته علیه به صورت موضوعی در آن کار شده است که این کتاب تحت عنوان اخلاق می باشد. این دست به دامن بودن طبله ها نسبت به حاج آقای رحمته علیه ادامه هم دارد؛ مثلاً سر مزار ایشان رفتن، سوره یس خواندن، صلوات فرستادن و به ایشان هدیه کردن و مسایلی از این قبیل که این ادامه هم دارد. این ارتباط از اموری است که حال به تأییری «لایدرک ولا یوصف» شده است و واقعاً آدم می بیند ولی نمی تواند درک بکند و توصیفش کند.

عظمت شخصیتی حاج آقای حق شناس رحمته علیه در چه درجه ای بوده است؟

ببینید، راجع به عظمت مؤمنین بسیار روایت داریم. هم برای خود مؤمنین و هم راجع به عظمت علمای مؤمنین، خیلی روایت داریم و این روایات ما را مستغنی می کند از اینکه بخواهیم از مطالب دیگری استفاده بکنیم. واقعاً مؤمن عظمتش از کعبه نیز بالاتر است. در روایت از امام صادق علیه السلام داریم که فرمودند: «المؤمنُ أعظمُ حرمةً من الكعبة» (الخصال ج ۲۷ ص ۹۵).

واقعاً مؤمن عظمت بالایی دارد. چه کسی می تواند مؤمن را توصیف بکند. شما روایاتی که در بحث مؤمن ذکر می کنند را ببینید. جای دوری هم نروید؛ همین اصول کافی، باب ایمان و کفر را ببینید. اصلاً انسان از مقام و درجه مؤمن متحیر می شود یا مثلاً راجع به علمای مؤمن، بعضی از روایات ما آن قدر مسئله را بالا بردند که تعجب انگیز است. من این روایت را اولین بار از حضرت آیت الله

روش سلوکی و تربیتی حاج آقای حق شناس رحمته علیه برای طلاب چگونه است؟

خدمت شما عرض کنم که روش سلوکی ایشان را باید بزرگان بگویند و ما اصلاً نمی توانیم در مورد این موارد حرف بزنیم. من آن چیزی که از بزرگان شنیدم را خدمت شما عرض می کنم. اساتید ما به ما یاد دادند که نگوئیم مبانی این عالم یا مبانی آن عالم. بعضی از اساتید ما نهی کردند و فرمودند: این حرف ها حرف اشتباهی است. مثلاً شخصی مثل حاج آقای حق شناس رحمته علیه مبانی و روشی ندارند و حاج آقای رحمته علیه همان چیزی که در مکتب اهل بیت علیهم السلام ذکر شده است را بیان می فرمایند. روش تربیتی و سلوکی آیت الله حق شناس رحمته علیه همان روش تربیتی و سلوکی قرآن و اهل بیت علیهم السلام است.

آمّهات توصیه ها و فرمایشات حاج آقای حق شناس رحمته علیه در چه مواردی بوده است؟

یکی از توصیه های مؤکد ایشان، توصیه به علم و علم آموزی بود. حاج آقای رحمته علیه به شدت تشویق می کردند که طلاب به دنبال علم باشند. این بحث کراراً در روایتی که ایشان نقل می فرمودند، وجود داشت.

حاج آقای رحمته علیه به مجلس موعظه هم خیلی عنایت داشتند و این قسمت فرمایش امیرالمؤمنین علیه السلام را خیلی می خواندند: «أخي قَلْبُكَ بِالْمَوْعِظَةِ (نامه ۳۱ نهج البلاغه)». ایشان به موعظه خیلی توصیه داشتند. خلاصه حاج آقای رحمته علیه خیلی در این فضاها توصیه و سفارش می کردند.

یکی از ویژگی ها و صفاتی که حاج آقای حق شناس رحمته علیه داشتند و به نظرتان برای طلاب مفید است، چیست؟

راجع به مرحوم حاج آقای رحمته علیه باید گفت که واقعاً ایشان ذوب در اهل بیت علیهم السلام بودند. مثلاً ایشان اسم امام صادق علیه السلام را که می آوردند، اشک از چشمانشان جاری می شد. این ذوب در اهل بیت علیهم السلام بودن ایشان بود. همان اواخر که ما سال آخر عمر شریف ایشان را درک کردیم، باز یک حدیثی اگر می خواندند یا روضه ای اگر خوانده می شد، اشک از چشمانشان جاری می شد.

مصباح یزدی رحمته علیه شنیدم که ساعتی نشستند در مجلس عالم، از پانزده هزار مرتبه ختم قرآن بالاتر است. خب این عظمت عالم ربانی را دارد نشان می دهد، عظمت هم نشینی با عالم ربانی را دارد نشان می دهد یا مثلاً خود مرحوم حاج آقای رحمته علیه روایت می خواندند که امام صادق علیه السلام فرمودند: «ثَلَاثَةٌ يَشْكُونَ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مَسْجِدُ حَرَابٍ لَا يُصَلِّي فِيهِ أَهْلُهُ وَعَالِمٌ بَيْنَ جُهَالٍ وَ مُصْحَفٌ مُعَلَّقٌ قَدْ وَقَعَ عَلَيْهِ الْعَبْرُ لَا يُقْرَأُ فِيهِ» (کافی ج ۲ ص ۶۱۳)؛ یعنی: سه شخص به خداوند فردای قیامت شکایت می کنند: اول آن قرآنی که مورد استفاده واقع نمی شود و غبار بر روی آن می نشیند. دوم مسجدی که کسی به آن مسجد برای نماز و عبادت نمی رود. سوم هم عالمی که بین جاهل هاست. ببینید آن قدر عالم عظمت دارد که اگر از او استفاده نشود، فردای قیامت به خداوند رحمته علیه شکایت می کند. خب عظمت مؤمن و به خصوص عظمت علمای مؤمنین، خیلی بالا است. البته همه علماء هم دارای یک درجه نیستند.

حال می گویم که آیات و روایات آدم را مستغنی می کند از اینکه بخواهد مطلب دیگری بگوید؛ منتهی به قول اساتید معظمان، گاهی اوقات اگر به عنوان مؤید، یک داستانی یا یک رؤیای صادقه ای را راجع به این علماء بیان بکنیم، این هم خالی از لطف نیست؛ من به نقل یکی از علمای بزرگ شنیده بودم که آن عالم فرموده بودند که خواب یکی از علمای معاصر ما که از دنیا رفته بودند را می بینند و از ایشان راجع به علامه عسکری رحمته علیه می پرسند و می گویند: از علامه عسکری رحمته علیه چه خبر؟ آن عالم گفته بودند که علامه عسکری رحمته علیه جلوه ای از جلوات امیرالمؤمنین علیه السلام شده اند؛ خب ایشان تمام زندگیشان را برای اثبات امامت امیرالمؤمنین علیه السلام و حقانیت امیرالمؤمنین علیه السلام گذاشتند. علامه عسکری رحمته علیه فانی در مولا بودند؛ اما بعد از این سوال، از حاج آقای حق شناس رحمته علیه سوال کرده بودند و گفته بودند که از حاج آقای حق شناس رحمته علیه چه خبر؟ آن عالم فرموده بودند که ایشان خیلی وضعشان خوب است و خیلی عظمتشان بالا است و ما اصلاً از ایشان خبری نداریم؛ ایشان خیلی بالا هستند. خب این ها هم در این زمینه مؤیداتی هستند.

گفت و گو با حجت الاسلام و المسلمین حامد اصغری در رابطه با شخصیت آیت الله امیرزا عبد الکریم حق شناس

نور چشمی آیت الله بروجردی



متن کامل مصاحبه:

دریای بی کران الهی دارای برکات و اثرات فراوانی است که هر چقدر در آن دست و پا زده شود، نمی توان حتی به یک جرعه ای از آن آگاه شد. بحمدالله در این جهانی که انسان ها در باطلاق کثرات مشغول غرق شدن هستند، افرادی پیدا می شوند که مصداق اتم سرباز امام عصر عجل الله فرجه هستند.

در میان سربازان حضرت بر هدف دارد نشریه خلق کریم در این سالگرد علمای ربانی به شخصیت آیت الله امیرزا عبد الکریم حق شناس رحمته الله علیه بپردازد برای همین مصاحبه ای تدارک داده شد با حجت الاسلام و المسلمین حامد اصغری.

آثاری که از حاج آقای حق شناس رحمته الله علیه برجای مانده است، چه تاثیری بر روی طلاب می گذارد؟

یکی از بزرگان که فکر کنم آیت الله استادی بودند، در مورد مرحوم آیت الله حق شناس رحمته الله علیه صحبت کرده بودند و فرموده بودند که هرکسی یک آثاری دارد. یک شخصی در یک زمانی کتابی می نویسد و مؤلف کتابی است، خوب آن کتاب می شود اثر آن شخص. حالا فرض کنید یک شخصی یک کار خیری کرده است، مثلاً مسجدی ساخته است، خوب آن مسجد می شود اثر آن فرد. این عالم بزرگ می فرمودند که یکی از آثار مهم حضرت آیت الله حق شناس رحمته الله علیه که چه بسا از دیگر آثار مهم تر باشد، تربیت یک سری شاگردانی است که از محضر ایشان استفاده می کردند. این تربیت شاگرد، جزء بزرگترین آثار ایشان است. یعنی با اینکه ایشان کتابی تألیف نکردند، کاری بزرگ تر از آن انجام دادند که آن هم ساختن و پرورش دادن شاگردانشان بود.

داخل پیام تسلیت حضرت آقا رحمته الله علیه در پی ارتحال حاج آقای حق شناس رحمته الله علیه نیز ذکر شده است که رهبر معظم انقلاب رحمته الله علیه، داخل پیامشان می فرمایند که این روحانی پرهیزکار و پاک نهاد، به خاطر تربیت جوان های مؤمن و معرفت جو، در طی ده ها سال، حق بزرگی برگردن همه مشتاقان معارف اسلامی گذاشت که بعد هم در ادامه می فرمایند که امید است برکات ناشی از نفس پاک و مؤثر ایشان همواره مستدام گردد. پس به نظر می رسد که بزرگترین اثری که از حاج آقای حق شناس رحمته الله علیه برجای باقی مانده است، همین تربیت شاگرد و پرورش شاگردان است. البته ایشان رحمته الله علیه ظاهراً آثار علمی هم دارند که نزد خانواده شان است و خوب آثار علمی هم که دارند، تقریراتی است که از درس بزرگان جمع آوری کرده اند و نوشته اند؛ ولی آن چیزی که از همه این ها بزرگ تر است، تربیت یک نسل است. تربیت یک نسل جوان مؤمن انقلابی است.

عظمت و شخصیت آیت الله حق شناس رحمته الله علیه در چه مقامی بوده است؟

آن طوری که ما شنیدیم، اینگونه بوده است که در یک مدتی عظمت علمی حاج آقای حق شناس رحمته الله علیه مقبول عنه بوده است. آن اواخری هم که ما با حاج آقای رحمته الله علیه آشنا شدیم که دهه هشتاد بود، آن موقع ایشان در تهران شخصیت مطرحی بودند؛ یعنی جزء علمای ربانی بزرگ تهران شناخته می شدند. خوب از لحاظ علمی شخصیت بسیار فوق العاده ای داشته اند. حتی از هشت نفر الی دوازده نفر از مجتهدین زمان خودشان، اجازه اجتهاد گرفته بودند؛ خود این مطلب، مقام و مرتبه علمی ایشان را می رساند که مرتبه بسیار قابل توجهی است.

خیلی اذیت می شدند و درصدد این بودند تا آنجایی که می توانند، مشکل را برطرف بکنند.

داخل جهات سلوکی شان هم خیلی به اهل بیت علیهم السلام اشاره می کردند و ارادت شدیدی نسبت به آن ها داشتند و معمولاً از این مسیر حب اهل بیت علیهم السلام، اشخاص را در مسیر محبت الهی قرار می دادند و روضه و توسل به حضرت علی اصغر رحمته الله علیه را نیز خیلی توصیه می کردند. این موارد عمده آن مواردی است که در روش سلوکی حاج آقای رحمته الله علیه می توان به آن اشاره کرد.

امهات توصیه ها و فرمایشات حاج آقای حق شناس رحمته الله علیه در چه مواردی بوده است؟

خب الحمدالله به لطف بعضی از شاگردان ایشان، امهات فرمایشات ایشان جمع آوری شده است و به صورت چندین جلد کتاب درآمده است و داخل همایش سیر حوزه در یک نگاه هم به آن اشاره شده است؛ اما اگر بخواهیم به صورت تیتروار به تعدادی از آن موارد اشاره بکنیم، می توان به این موارد اشاره کرد:

یکی از آن توصیه ها، بحث توسل به اهل بیت علیهم السلام بود که قالباً هم زیارت عاشورای صد لعن و صد سلام، دعای توسل و سوره یس خواندن و هدیه کردن به اهل بیت علیهم السلام و مادر امام زمان علیه السلام را مطرح می کردند.

یکی دیگر از چیزهایی که ایشان بسیار توصیه می کردند، نماز اول وقت به جماعت بود که خودشان هم بسیار نقل می کردند و تأکید بر آن داشتند که اگر کسی در جوانی استمرار بر این نماز اول وقت به جماعت داشته باشد، اگر در پیری ناتوان شد و مثلاً نتوانست که نمازش را ایستاده عدا کند و نتوانست به نماز جماعت برود، به خاطر آن عملکرد خوب سال های جوانی، ثواب نماز جماعت دوران جوانی اش را برایش می نویسند.

بحث مراقبه هم در فرمایشات ایشان بسیار مهم است. ایشان از علامه طباطبایی رحمته الله علیه نقل می کردند که علامه فرمودند: اول مراقبه، وسط مراقبه، آخر هم مراقبه. یعنی بنده بدانند که خداوند متعال نسبت به او مطلع و آگاه است. در اطلاع هم سه چیز مورد نظر است: اولاً فوقیت، دوماً علم و سوماً قدرت. یعنی خداوند قدرت دارد و می توان در لحظه ای رگ حیات را قطع کند. مراقبه به این می گویند. این اصل هر خیری است.

«والسلام علیکم ورحمة الله و بركاته»

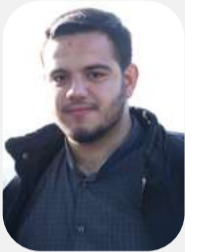
حاج آقا رحمته الله علیه مجتهد تام و تمامی بودند. مجتهد کاملی بودند که از مثل آیت الله خویی رحمته الله علیه، آیت الله بروجردی رحمته الله علیه و... اجازه اجتهاد داشتند. نقل شده است که حضرت آیت الله نوری همدانی رحمته الله علیه در یک همایشی دعوت شده بودند که بدون هیچ مناسبتی، از استادشان مرحوم آیت الله بروجردی رحمته الله علیه یادی می کنند و بعد از آن می فرمایند که خدمت آیت الله بروجردی رحمته الله علیه فردی به نام آیت الله حق شناس رحمته الله علیه بودند که ایشان نور چشم آیت الله بروجردی رحمته الله علیه بودند. یعنی در بین آن همه شاگردان عظیم که خدمت آیت الله بروجردی رحمته الله علیه درس می خواندند که بعضی هایشان از مراجع فعلی حال حاضر هستند، حاج آقای حق شناس رحمته الله علیه نور چشمی آیت الله بروجردی رحمته الله علیه بودند که این مطلب، جهت علمی بالای آیت الله حق شناس رحمته الله علیه را می رساند. جهات اخلاقی، سلوکی و امثال این های حاج آقای رحمته الله علیه هم بهتر از جهات علمی ایشان است؛ لذا زمانی که ما با ایشان آشنا شدیم، به عنوان یک عالم ربانی با ایشان آشنا شدیم، نه فقط به عنوان فقهی که داخل فقه و اصول متبحر است. ایشان رحمته الله علیه در فقه و اصول هم ورود پیدا کرده بودند و فوق العاده بودند و در این علم شناخته شده بودند؛ لذا این جهات برخوردی و جهات رفتاری حاج آقای رحمته الله علیه، جزء نکات برجسته ایشان رحمته الله علیه بوده است.

روش سلوکی و تربیتی حاج آقای حق شناس رحمته الله علیه برای طلاب چگونه است؟

حاج آقا رحمته الله علیه خیلی دل سوز بودند و خیلی حریص بودند نسبت به هدایت جامعه و افراد آن. مثل پدر و مادر بلکه دل سوزتر از پدر و مادر، نسبت به یک جوان بودند. یعنی وقتی یک جوانی را می دیدند و می خواستند که آن شخص را هدایت بکنند، با اوج دلسوزی او را هدایت می کردند و پرورش می دادند.

«لقد جاءکم رسول من أنفسکم عزیز علیہ ما عنتم حریص علیکم بالمؤمنین زءوف رحیم» (توبه/۱۲۸). این آیه تأییری خوب برای حاج آقای حق شناس رحمته الله علیه است. ایشان آن قدر دل سوز بودند که حتی اگر مسیر بزرگ و سخت و مشکلی برای جوانان می دیدند، این برای حاج آقای رحمته الله علیه دردناک و سخت بود و «حریص علیکم» بودند نسبت به هدایتشان و خیلی حرص می خوردند و مشتاق بودند که آن شخص را مورد هدایت قرار بدهند؛ یا اگر یک زمانی برای شخصی مشکلی پیش می آمد یا کسی بیمار می شد، ایشان

دادار جوان



طلبه ارجمند محمد مهدی احمدی

آشنای اباعبدالله علیه السلام

از قدیم الایام می گویند اگر کسی را می خواهی شناسی، به اطرافیانش نگاه کن و حقیقت هم همین است. رسول گرامی اسلامی صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم می فرماید: «المرء علی دین خلیله، فلیتظر أحدکم من یخالل»؛ یعنی آدمی بر آیین دوست خود است؛ پس هر یک از شما مواظب باشد که با چه کسی دوستی می کند.

وقتی به اطرفیان مرحوم حاج آقا علیه السلام توجه می شود، در بین همه آن ها یک وجه اشتراک دیده می شود؛ آن هم حسینی بودن است. گریه بر مصائب وارده بر اباعبدالله علیه السلام و اهل بیت آن حضرت علیهم السلام، وجه تمایز ایشان از دیگران است. گریه ای که منشاء آن محبت بی کران است.

ایشان از هر فرصت مناسبی برای اقامه عزا بر سید الشهداء علیه السلام استفاده می کردند؛ ولی یک اهتمام خاصی بر دهه اول ماه محرم داشتند.

ایشان می فرمودند که در دهه اول محرم اینطور نباشد که هم درس بخوانید و هم در عزا شرکت نکنید؛ یعنی به طریق اولی صرف درس خواندن را در این دهه مذموم می دانستند.

ایشان می فرمودند که مبادا در دهه اول مسافرت بروید و صبحانه های لذیذ بخورید و منشاء این اعتقاد حاج آقا علیه السلام، مکاشفه ای بود که داستانش از این قرار است:

مرحوم حاج آقا علیه السلام خودشان تعریف می کنند که در اوایل ایام محرم با یکی از دوستانم قرار گذاشته بودیم که مباحثه کنیم و بعد به روضه اباعبدالله علیه السلام برویم.

یک روز قبل از مباحثه خواستم برای آمادگی مطالعه بکنم، اما دیدم خسته ام و خوابم می گرفت.

پایین رفتم و آب به صورتم زدم اما دوباره خوابم گرفت تا اینکه به کلی خوابم برد.

در عالم رؤیا دیدم که دیوار شکافته شد و هفت خانم مجلله داخل شدند که جلوی آن ها یک بانوی محترمه با قد رشید ایستاده بودند.

در این موقعیت ها، خود انسان می فهمد که ایشان چه کسی هستند.

ایشان حضرت زینب علیها السلام بودند که به من فرمودند:

چرا در عزاداری اهل بیت علیهم السلام شرکت نمی کنید؟

عرض کردم بی بی جان من قرار گذاشته ام که هم مباحثه کنم و هم در عزاداری شرکت بکنم.

فرمودند: خیر! مباحثه هیچ، باید این دهه را تنها در عزاداری اباعبدالله علیه السلام شرکت کنید.

از نزدیکان مرحوم حاج آقا علیه السلام منقول است که ایشان این طور توصیه می کردند که برای خودتان روضه خصوصی در خلوت هایتان داشته باشید.

یعنی اینکه همیشه این طور نشود که انسان فقط وقتی در فضای ذکر مصیبت قرار می گیرد و با سوز صدای مداح و عزاداران اشک بریزد.

می گویند هر موقع که گره ای در کار ایجاد می شد، هر موقع که مشکلی پیش می آمد، ایشان امر می کردند که روضه باب الحوائج، طفل شیر خواره اباعبدالله علیه السلام را بخوانند.

آن قدر با سید الشهداء علیه السلام مانوس بودند، آن قدر آشنا بودند که خود حضرت علیه السلام به همراه فرزند مبارکشان به دیدار ایشان آمدند.

آن طور که منقول است در یکی از روزهایی که حضرت آیت الله حق شناس رحمۃ اللہ علیہ مشغول توسل به درگاه سید الشهداء علیه السلام و خواندن زیارت عاشورا بودند، روز چهلم از چله ای بود که ایشان برای رفع حاجت گرفته بودند. اساساً ایشان خیلی مقید به این چله بودند

و به وسیله این چله بسیاری از مشکلات جامعه و حوائج مردم را بر طرف می کردند و حتی در زمان هشت سال دفاع مقدس آن طور که منقول است، ایشان برای سلامتی مردم مدام چله می گرفتند.

تا حدی این چله موثر بوده که مرحوم رهبر کبیر انقلاب امام خمینی رحمۃ اللہ علیہ روزی در تماس تلفنی به ایشان می گویند که من می دانم اکثر این بمب هایی که از سمت دشمن بر سر مردم بی گناه می ریزد، ولی عمل نمی کند، به خاطر دعای شماست.

در کل ایشان مشغول همین چله مبارک بودند که در مکاشفه ای در محراب مسجد مقدس امین الدوله واقع در بازار تهران، جمال سید الشهداء علیه السلام را زیارت می کنند.

حضرت به ایشان می فرمایند که شیخ عبدالکریم، در حال چه کاری هستی؟ ایشان هم عرض می کنند: مشغول خواندن زیارت عاشورا هستم.

حضرت می فرمایند: چرا از همان اول روضه علی اصغر علیه السلام را نخواندی؟ ایشان عرض می کنند که آقا چطور بخوانم؟

آن وقت خود سید الشهداء علیه السلام شروع به روضه خواندن می کنند که «یا قَوْمُ، إِنَّ لَمْ تَزَحْمُونِي فَأَزَحْمُوا هَذَا الطِّفْلَ...» «رحمه الله و حشره مع اولیائه»



طلبه ارجمند سید محمد حسین رومیانی

حاج آقای حق شناس رحمۃ اللہ علیہ نالی تلو معصوم

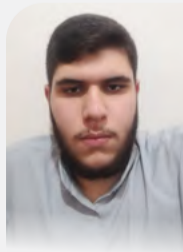
حضرت علی علیه السلام در خطبه ای از نهج البلاغه

می فرمایند:

«وَ عَرَفَ مَنَازَهُ»؛ عالم کسی است که با ادله و براهین، راه های به سوی پروردگار را شناخته است.

«وَ قَطَعَ غَمَاةً»؛ و بعد از آن، تعلقات نفسانی را یکی پس از دیگری می برد و در عوض، به فضایل انسانی تخلق عملی پیدا می کند. در برابر این گروه، چه کسانی هستند؟! حضرت می فرمایند:

«وَ آخِرُ قَدْ تَسَمَّى عَالِماً وَ لَيْسَ بِهِ»



طلبه ارجمند امیر محمد شریفی

می خواهید بازی کنید که کارتان به اینجا رسیده!

گفت ما می خواهیم بازی کنیم که در جواب گفتند: بله می خواهید بازی کنید که کارتان به اینجا رسیده است! داخل مسجد نشسته بودیم و منتظر بودیم تا اینکه استاد تشریف بیاورند. مسجدی که رنگ و بوی دیگری داشت و انسان های بزرگی در آن رفت و آمد داشتند. روضه های فراوانی در این مسجد گرفته شده بود. فکر می کنم هر چه که می گذرد، معنویت این مسجد

زیادتر می شود. مسجدی که نامش همچون مردان بزرگ، معروف و مشهور است: مسجد شب زنده دارها (مسجد امین الدوله).

آیت الله میرزا عبد الکریم حق شناس رحمۃ اللہ علیہ، استاد زندگی و استاد

درس مان بود. مثل اسمش خیلی کریم بود و بدون هیچ ممانعت و بُخلی، کوله بار چندین ساله خودش را با زبان شیرین تهرانی به ما یاد می داد و طوری صحبت می کرد که سخنش به دل می نشست. استاد پس از چند دقیقه انتظار، تشریف آوردند و مثل همیشه روی صندلی خودشان نشستند و شروع به صحبت کردند. پس از چندی صحبت، به مبحث صفات مؤمن از زبان امیرالمؤمنین علیه السلام رسیدند. طوری سخن را شروع کردند که شاگردانی هم که خواب بودند، بیدار شدند. ایشان فرمودند: من از امیرالمؤمنین علیه السلام فرمایشی را برای شما عرض می کنم که همین یک موعظه، هم برای من و هم برای شما کافی است.

استاد بعد از این، اظهار تأسف کردند و فرمودند: زمانی که آدم حدیث «يَصِفُ الْحَقَّ وَ يَعْمَلُ بِهِ» را از لسان امیرالمؤمنین علیه السلام در رابطه با صفات مؤمنین می شنود، خجالت می کشد.

استاد فرمودند: اگر به این حدیث عمل نکنید و فقط حدیث بشنوید و عمل نکنید، مبعذ می شوید و برایتان دوری از رحمت خدا می آورد.

مرحله اول اینست که دلم می خواهد را از خود جدا بکنید. «قَدْ خَلَعَ سَرَائِيلَ الشَّهَوَاتِ». بعد از این، همه تعلقات را از خود بکنید و فقط یک تعلق داشته باشید که آن هم تعلق به خداوند است. واقعا باعث خجالت است اگر انسان در مکتب امام صادق علیه السلام نیاید!!

کلام استاد همه را متعجب کرد و ایشان در ادامه فرمودند: شما محصل هستید و آن جا توپ بازی می کنید، این مزاحمت برای عابرین هست و حرام است؛ چه رسد که توپ را بزنید به پیشانی بنده!

کسی نمی دانست استاد در رابطه با چه چیزی صحبت می کنند. توپ بازی! پیشانی استاد!

تعجب ها بیشتر شد و استاد ادامه دادند: باباجان! حالا این چیزی نیست؛ اما آخر شما با این قد و بالا؟

گفت: ما می خواهیم بازی کنیم و بنده به او گفتم: بله می خواهید بازی کنید که کارتان به اینجا رسیده است!

بعد از این بیانات، استاد حضرت یحیی علیه السلام را مثال زدند و فرمودند که هم سنی هایش او را به بازی دعوت می کردند و او می فرمود: به خدا قسم ما برای بازی خلق نشده ایم؛ بلکه برای جدیت در امری عظیم خلق شده ایم.

البته این را هم بگوییم که استاد هیچ گاه مخالف با تفریح و بازی نبودند؛ بلکه هم و غم ایشان این بود که در این بازی های دنیوی غرق نشویم که موجب تباه شدن انسان می شود.

کلاس آن روز هم به پایان رسید و همین نکته بس باشد که مردان بزرگ از اتفاقات خودشان درس می گیرند؛ حتی یک توپی که بر سرشان خورده باشد.

«والحمد لله رب العالمین»

یک عده هم هستند که عالم نامیده می شوند، ولی عالم نیستند. آن را که خبر شد خبری باز نیامد. آنکه عالم است و چیزی می داند، نمی گوید که من می دانم؛ بلکه همه اش می گوید: من چیزی نمی دانم!

اما آنکه خود را شبیه عالم ها کرده، خودش را عالم می نامد و خودش را این طور معرفی می کند. «يَقُولُ أَقِفْ عِنْدَ الشُّبُهَاتِ وَ فِيهَا وَقْفٌ»؛ مدام می گوید که من از شبهات پرهیز دارم، اما در شبهات فرو رفته است. اگر خودش را به استاد عرضه کند، آن وقت می فهمد که در شبهات افتاده است. سپس امیرالمؤمنین علیه السلام می فرماید: «فَالصُّورَةُ صُورَةُ إِنْسَانٍ وَ الْقَلْبُ قَلْبُ حَيَوَانَ»؛ صورتش خیلی آراسته و موهایش شان زده است و خیلی زیبارو است، اما قلبش قلب حیوان است.

بنده یک وقت در عالم رؤیا شخصی را که هنوز هم هست دیدم که او را در قفسی بزرگ و آهنی انداخته اند. او در آن قفس، مدام تغییر چهره می داد؛ مثلاً به صورت لاشخور درمی آمد و دوباره به صورت انسان می شد و با التماس می گفت: دعا کنید که من از این قفس نجات پیدا کنم!

باز به صورت خوک درمی آمد و دو مرتبه به صورت آدم درمی آمد و التماس می کرد...! حالا مبادا خدای نخواستنه من این طور باشم! آن خوابی که من دیده بودم را به او گفتم و هنوز هم هر وقت به او می رسم، می گویم:

عزیز من! تا عمرت باقی است و تا وقتی که در این دارالتجاره بسته نشده، معطل نکن و خودت را اصلاح کن!
«لَا يَعْرِفُ بَابَ الْهُدَى فَيَتَّبِعُهُ وَلَا بَابَ الْعَمَى فَيَضُدُّ عَنْهُ»؛ نه باب هدایت را می داند که از آن تبعیت کند و نه باب غوایت و گمراهی را می اندازد تا از آن پرهیز کند.

و در آخر حضرت علیه السلام می فرماید:
«وَذَلِكَ مِثْلُ الْأَحْيَاءِ»؛ او مرده ای است که دارد بین زنده ها راه می رود. مبادا عزیز من! از اینها باشید!

«فَكَشَفْنَا عَنْكَ غِطَاءَكَ فَبَصَرُكَ الْيَوْمَ حَدِيدٌ»؛ یعنی دیگر وقتی که مُردی، بَصَرَتِ بِنَا می شود.

دیگر علمت نافذ است. صد در صدی است و دیگر مشوب با شک نیست. عزیز من! تا آن طور نشده رفع ربا از است، بصیرت کسب کن و خود را نجات بده!
«وَ الْأَعْلَامُ قَائِمَةٌ وَ الْأَيَّاتُ وَاضِحَةٌ»؛ فعلاً که دستت به رهبران و علمای دین می رسد و پروردگار عزیز این دانشمندان را در دسترس تو گذاشته، به آن ها مراجعه کن و مشکلاتت را برطرف کن!

مبادا خدای ناکرده صورتت صورت انسان باشد و قلبت قلب حیوان!

خدا عاقبت شما را به خیر کند!
مطالب بالا قسمتی از فرمایشات آیت الله حق شناس رحمته بود درباره علماء.

در اول بحث که حاج آقا رحمته مطرح می فرمایند، حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام ویژگی های یک عالم را که با تلاش خود به درجات والا می رسد را توضیح می دهند که اگر این توصیفات خیری که حضرت علیه السلام می فرمایند را مد نظر بگیریم، تمامی این ها در یک عالمی هم چون آیت الله حق شناس رحمته جمع شده است. به یقین می توان بیان کرد که ایشان تالی تلو معصوم هستند و در این زمان که امام معصوم در غیبت هستند، بهترین راه برای هدایت خود، اسوه گرفتن علمای ربانی هم چون آیت الله حق شناس رحمته است که ما را در راه و طریق الهی نگه می دارد. والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته



طلبه ارجمند محمد هادی پایدار



عالمی خداشناس که به حق، حق شناس بود

سخن گفتن راجع به علماء کاری بس دشوار و مشکل است؛ لذا با زبان ائمه علیهم السلام مطالبی راجع به ایشان ذکر خواهد شد.

روایات عجیب و غریبی نسبت به علماء وجود دارد که به چندی از آن ها اشاره خواهد شد:

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند که «جُلُوسُ سَاعَةٍ عِنْدَ الْعُلَمَاءِ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنَ عِبَادَةِ أَلْفِ سَنَةٍ وَ الْتَطَرُّ إِلَى الْعَالِمِ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنَ إِعْتِكَافِ سَنَةٍ فِي الْبَيْتِ الْحَرَامِ (مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل ج ۹، ص ۱۵۳)»؛ یعنی:

ساعتی نشستن نزد عالم، از هزار سال عبادت کردن بهتر است و نگاه کردن به عالم، نزد خداوند متعال، از یک سال اعتکاف در خانه کعبه بالاتر است.

در روایت دیگری امیرالمؤمنین علیه السلام می فرمایند:
«إِذَا رَأَيْتَ عَالِمًا فَكُنْ لَهُ خَادِمًا (غرر الحکم ج ۱، ص ۲۸۴)»؛ یعنی:
زمانی که عالمی را دیدی، خدمت گذار به او باش.

در روایتی دیگر از امام صادق علیه السلام داریم که فرمودند:
«ثَلَاثَةٌ يَشْكُونَ إِلَى اللَّهِ ﷻ مَسْجِدَ حَرَابٍ لَا يُصَلِّي فِيهِ أَهْلُهُ وَ عَالِمٌ بَيْنَ جُهَالٍ وَ مُصْحَفٌ مُعَلَّقٌ قَدْ وَقَعَ عَلَيْهِ الْعُبَارُ لَا يُقْرَأُ فِيهِ (کافی ج ۲ ص ۶۱۳)»؛ یعنی:

سه شخص به خداوند فردای قیامت شکایت می کنند:
اول آن قرآنی که مورد استفاده واقع نمی شود و غبار بر روی آن می نشیند.

دوم مسجدی که کسی به آن مسجد برای نماز و عبادت نمی رود. سوم هم عالمی که بین جاهل هاست.

در روایتی دیگر از امام صادق علیه السلام ذکر شده است که «إِذَا كَانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ بَعَثَ اللَّهُ ﷻ الْعَالِمَ وَ الْعَابِدَ، فَأَذَا وَقَفَا بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ ﷻ قِيلَ لِلْعَابِدِ: انْطَلِقْ إِلَى الْجَنَّةِ وَ قِيلَ لِلْعَالِمِ: قِفْ تَشْفَعُ لِلنَّاسِ بِحُسْنِ تَأْدِيْبِكَ لَهُمْ (علل الشرایع، ج ۲، ص ۳۹۴)»؛ یعنی:

هر گاه روز قیامت گردد، خدای علیه السلام عالم و عابد را برمی انگیزاند. پس آن گاه که در پیشگاه خداوند ایستادند، به عابد گفته می شود: «به سوی بهشت حرکت کن» و به عالم گفته می شود: «بایست و مردم را به خاطر آن که نیکو ادبشان نمودی، شفاعت کن».

اوج مطلب هم آنجا است که امام باقر علیه السلام می فرمایند که «عَالِمٌ يُنْتَفَعُ بِعِلْمِهِ أَفْضَلُ مِنْ سَبْعِينَ أَلْفَ عَابِدٍ (کنز الفوائد ج ۲، ص ۱۰۹)»؛ یعنی:

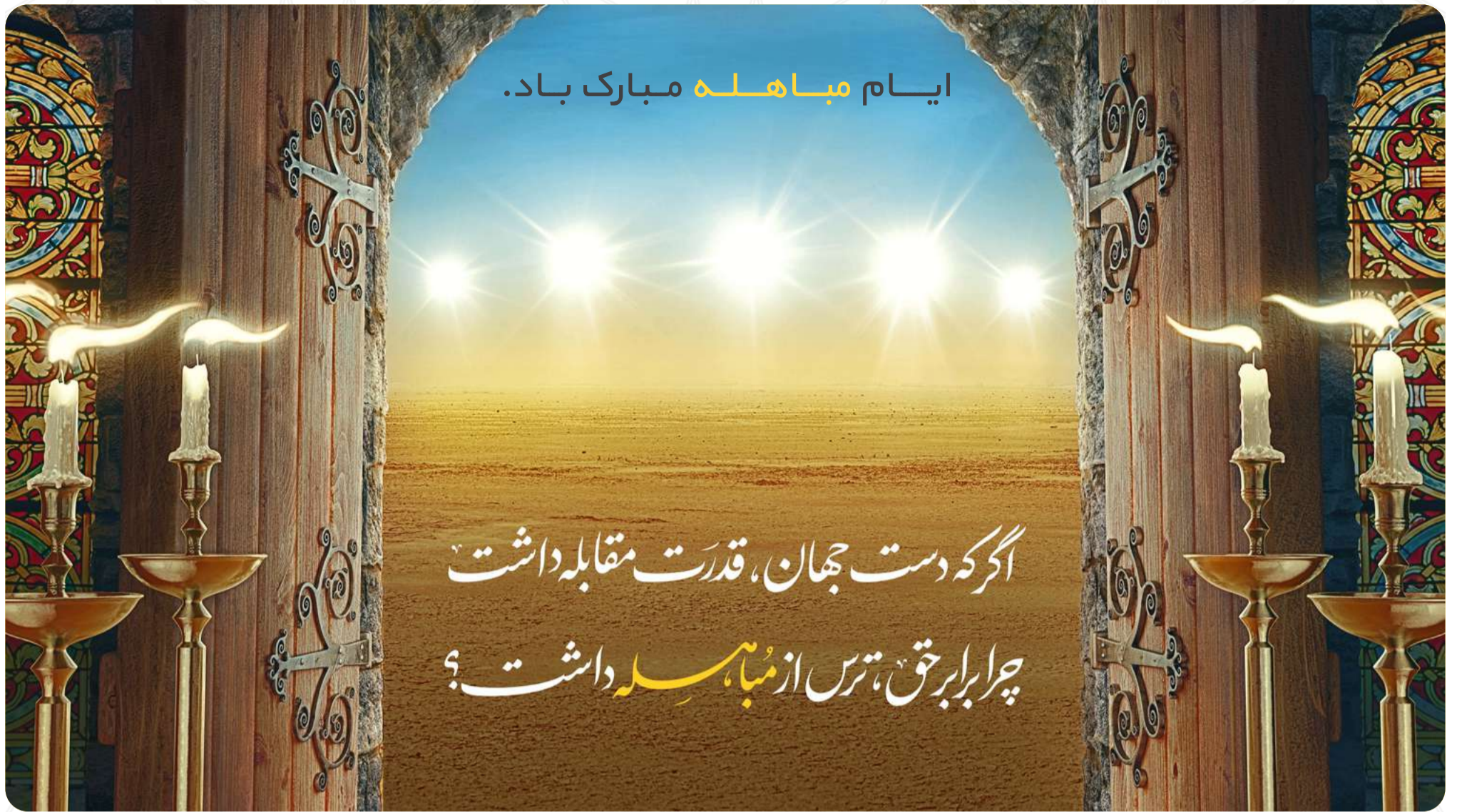
عالمی که از علمش بهره ببرند، برتر از هفتاد هزار عابد است. خب بحث، درباره حضرت آیت الله امیرزا عبدالکریم حق شناس رحمته است که به حق عالمی بسیار بزرگ و سرشناس بودند؛ به حدی که نقل شده است که از دوازده تا از بزرگان زمان خودشان اجازه اجتهاد داشتند.

خب این مطلب بسیار مهمی است. به علاوه اینکه ایشان عالم بسیار بزرگی بوده اند، علمشان هم به همه نفع می رساند و اثرات نفَس پاک و ضمیر با صفای ایشان هنوز در شاگردانشان، بلکه در شاگردان شاگردانشان، کاملاً قابل مشاهده است.

مردی که تمام عمر خود را پای تربیت سربازان امام زمان علیه السلام و تربیت افراد جامعه گذاشت، بسی از هزاران عابد زمانه خودش بالاتر است؛ همان طور که یکی از علماء نقل می کردند که خواب کسی را دیدند و از او پرسیدند که از حاج آقای حق شناس رحمته چه خبر؟

و آن فرد گفته بوده است که «ما از حاج آقای حق شناس رحمته هیچ خبری نداریم؛ چون درجه ایشان بسیار بالاست و اصلاً ما نمی توانیم از آن درجه خبری بگیریم».

اینست سرانجام مردی عالم خداشناس که به حق، حق شناس بود و تربیت سربازان امام زمان علیه السلام را سرمشق زندگی خود قرار داد. «والحمد لله رب العالمین»



نشریات حوزه علمیه آیت الله حق شناس رحمته علیه



نشریه جواهر امین



نشریه لسان امین



نشریه مقام امین



نشریه مناظرات امین



نشریه تبیین امین



نشریه متفکر امین



نشریه خلق کریم